

علامه طباطبایی و حدیث

علامه طباطبایی معتقد است که پی بردن به مراد جامع 3دسته از آیات قرآن کریم تنها در پرتو احادیث صورت می‌گیرد؛ آیات الاحکام، آیات معاد و آیات مربوط به قصص انبیاء و سرگذشت اقوام و ملل پیشین این موارد هستند.



دکتر مجید معارف: علامه طباطبایی معتقد است که پی بردن به مراد جامع 3دسته از آیات قرآن کریم تنها در پرتو احادیث صورت می‌گیرد؛ آیات الاحکام، آیات معاد و آیات مربوط به قصص انبیاء و سرگذشت اقوام و ملل پیشین این موارد هستند.

علامه طباطبایی خارج از این سه حوزه- مانند اعتقادات و اخلاقیات و اجتماعیات- قائل به استفاده مستقیم از روایات نیست اما معتقد است روایات وارده ذیل همین دسته از آیات اگر مطالعه شود، ملکه تفسیر قرآن به قرآن را در ما پرورش می‌دهد، این روش و خلاقیت ذهنی در پرتو مطالعه و تدبر در روایات تفسیری ایجاد می‌شود.

ایشان پس از تفسیر بخشی از آیات، بابی را تحت عنوان «171#& بحثی از نظر روایات» باز می‌کند و دیگر فرقی نمی‌کند که آیات از جنس آیات معاد یا آیات الاحکام و یا سرگذشت انبیاء و گذشتگان باشد یا نباشد؛ یعنی در حقیقت دیگر کاری به جنس آیات ندارد و این روش در کل تفسیر ساری و جاری است.

علامه طباطبایی در بیان روایات سعه صدر زیادی دارد و در بیان روایات از تفاسیر شیعه و اهل سنت استفاده می‌کند البته اهل سنت در بیان روایات قول صحابی و تابعی را نیز جزو روایات به‌شمار می‌آورند اما مرحوم علامه در منابع اهل سنت مثل الدر المنثور، تفسیر طبری و تفسیر ابن کثیر، فقط از روایات شخص رسول اکرم (ص) استفاده می‌کند، ضمناً علامه از تفسیر الدر المنثور به دلیل جامعیت آن زیاد به نقل روایات می‌پردازد. علامه طباطبایی در بین تفاسیر شیعی از تفاسیر علی ابن ابراهیم قمی، عیاشی، البرهان، نورالتقلین و منابع مختلف روایات تفسیری استفاده می‌کند و طبعاً روایات تفسیری ائمه اطهار (ع) از روایات و مصادیق بارز روایات تفسیری در دیدگاه علامه به حساب می‌آید.

علامه از روایات به روش‌های مختلفی استفاده می‌کند؛ به‌طور مثال گاه می‌گوید: «171#& هذا یؤید ما قلنا»؛ منظور علامه از این سخن این است که حرف ما- که آن را از طریق تفسیر قرآن به قرآن زدیم- توسط این روایت تأیید می‌شود؛ بنابراین یکی از کارکردهای حدیث در المیزان پشتوانه‌سازی برای اندیشه‌های ناب تفسیر قرآن به قرآن علامه است. کارکرد دوم روایت در تفسیر المیزان رفع ابهام از تفسیر یک آیه است، هنگامی که آیه جزو سه دسته آیات معاد، احکام یا سرگذشت پیشینیان باشد و گاه نیز پیش می‌آید که در مورد این سه دسته علامه روایات را در متن تفسیر می‌آورد؛ زیرا در این موارد حدیث جزو بخشی از تفسیر به حساب می‌آید. دفاع از اندیشه‌های ناب اسلامی در پرتو نقد روایات ضعیف و خرافی تفسیری یکی دیگر از کارکردهای حدیث در تفسیر المیزان است؛ یعنی علامه طباطبایی روایت را به انگیزه نقد و رد کردن در تفسیرش می‌آورد تا بگوید اگر تاکنون از این روایات در ذیل آیات قرآن به‌عنوان سخن رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بهره برده‌اید، توجه داشته باشید که این روایات حجت نیست.

علامه طباطبایی برای اینکه در حوزه نقد دستش را باز نگاه‌دارد تا بتواند یک روایت را که حاوی مفهوم خرافی است به راحتی حذف کند، دایره حجیت خبر واحد را محدود می‌کند. یکی از دیدگاه‌های برجسته ایشان که با نظر برخی از قرآن‌پژوهان دوران معاصر مانند آیت‌الله العظمی خویی یا آیت‌الله معرفت تقابل ویژه‌ای دارد، همین مطلب است که محدودیت ویژه‌ای به خبر واحد می‌دهد. ایشان از جمله معدود کسانی است که حجیت خبر واحد را فقط در خصوص فقه می‌داند، علامه می‌گوید، تنها خبر واحد فقهی حجیت شرعی دارد اما خبر واحد غیرفقهی حجیت شرعی ندارد؛ معنی این سخن این است که به ملاحظه اندک تعارضی که خبر واحد تاریخی یا اعتقادی یا اخلاقی با نصوص قرآن یا منطق عقل داشته باشد، خبر قاطعانه رد می‌شود.

مهم‌ترین معیار علامه طباطبایی برای نقد یک خبر، معیار متنی است، علامه با مقایسه متن یک حدیث با نصوص قرآن، آن حدیث را مورد نقد قرار می‌دهد، اما گاهی نیز به سراغ نقد سند می‌رود و ممکن است اعتبار حدیثی را به خاطر سند ضعیف آن و وجود راویانی که مشهور به کذب و جعل هستند، مورد چالش قرار دهد.